

یاران روحانی الله ابھی

ضمن تشکر از همراهی همیشگی شما عزیزان ایام خجسته بعثت حضرت رب اعلی را تبریک گفته و لحظاتی مملو از شور و نشاطی روحانی را یرایتان آرزوی نمائیم

لطفاً در اجرای این برنامه توجه به نکات زیر را مورد نظر قرار دهید

• همانگونه که مستحضر می باشید

"تولد مبارک حضرت عبدالبهاء نیز در همین لیلہ بعثت حضرت اعلی واقع شده و در مدینہ طهران در شب بعثت حضرت نقطه اولی طلعت پیمان از غیب بعرضہ شہود قدم گذاشته اند ولی بموجب لوح مبارک صادر از کلک مطہر مرکز میثاق کہ در جلد دوم مکاتیب صفحہ ۱۳۸ مندرج است جشن و سرور در آن لیلہ مستقیماً راجع بہ بعثت حضرت ربّ اعلی است قولہ جلّ ثنائه :

"بنصّ شریعت الہیہ و امر مبرم پنجم جمادی الاول روز مبعث حضرت اعلی روحی له الفداست لهذا باید آن یوم مبارک را بنام بعثت آن نیر آفاق آئین گیرند و آرایش نمایند و سرور و شادمانی کنند و یکدیگر را بمژده آسمانی بشارت دهند زیرا آن ذات مقدّس مبشّر اسم اعظم بود پس جز ذکر بعثت حضرت اعلی روحی له الفداء در آن روز یعنی پنجم جمادی الاول جایز نہ زیرا این نصّ قاطع شریعت الہیہ است اما ولادت این عبد در آن یوم واقع گشته این دلیل بر الطاف و عنایات الہیہ است در حقّ این عبد ولی آن یوم مبارک را باید یوم بعثت حضرت اعلی دانست و بدایت طلوع صبح حقیقت شناخت و باین سبب بفرح و سرور و شادمانی پرداخت هذا هو الحقّ زنہار زنہار از آنچه ذکر شد تجاوز نگردد زیرا سبب نہایت حزن و کدورت قلب عبدالبهاء شود. "

• در بخش برنامه های محلی با هماهنگیهای قبلی از حضور عزیزان هنرمند استفاده نمائید.

• با توجه به اینکه ممکن است تعداد برنامه ها زیاد تر از حوصله جمع باشد می توانید از قبل تعدادی از برنامه ها را به فراخور حال انتخاب نمائید.

موفق باشید

حضرت عبدالبهاء می فرمایند:

"روز بعثت حضرت اعلیٰ روحی له الفداء میگویم این عید سعید و روز جدید بر جمیع شماها مبارک و مایه سرور قلوب باد."

گنجینه حدود و احکام ۳۸۰

عنوان: برنامه بعثت حضرت رب اعلیٰ

۱- ذکر دسته جمعی "سبحانک یا هو یا من هو هو یا من لیس احد الا هو" (۵) بار

۲- مناجات شروع

۳- لوح مبارک که مخصوص شب بعثت از قلم جمالقدم جلّ جلاله نازل شده

۴- منتخباتی از آثار مبارکه حضرت باب

۵- حضرت باب

۶- قدر و رتبه حضرت باب

۷- نطق مبارک حضرت عبدالبهاء پنجم جمادی الاول ۱۳۳۴

تنفس و پذیرائی

۸- مناجات

۹- قیامت در آثار حضرت باب

۱۰- شرح اظهار امر

۱۱- شعر

۱۲- مقام حضرت باب

۱۳- تجدد در آئین حضرت باب

۱۴- برنامه محلی

هُوَ الْإِبْهِي

خدایا این چه فضیلتیست که عنایت فرمودی و این چه احسانیتست که ارزان کردی. قلوب را حکم قلب واحد دادی و نفوس را رابطه شخص منفرد. اجسام را احساس جان عنایت کردی و اجساد را ادراک روح و روان. این ذرات ترابیه را به شعاع آفتاب رحمانیه نمایش و وجودی عنایت کردی و این قطرات فانیه را به امواج بحر احدیت هیجان و طوفان مرحمت فرمودی. ای توانائی که گاه را قدرت کوه عنایت کنی و خاک را جلوه گاه آفتاب پر شکوه فرمائی لطف و مرحمتی که بر خدمت امرت قیام نمائیم تا در بین ملاء امکان شرمسار نگردیم. ع ع

مجموعه مناجاتهای چاپ آلمان ص ۳۱۵

۳- لوح مبارک که مخصوص شب بعثت از قلم جمالقدم جلّ جلاله نازل شده

الاقدم الاکبر الاعلی

قد نَطَقَ اللِّسَانُ بِأَعْلَى الْبَيَانِ وَ نَادَتِ الْكَلِمَةُ بِأَعْلَى النَّدَاءِ الْمُلْكُ لِلَّهِ خَالِقِ السَّمَاءِ وَ مَالِكِ الْأَسْمَاءِ وَ لَكِنَّ الْعِبَادَ أَكْثَرُهُمْ مِنَ الْغَافِلِينَ . قَدْ أَخَذَتْ تَرْتُمَاتُ الرَّحْمَنِ مِنْ فِي الْإِمْكَانِ وَ أَحَاطَ عَرَفُ الْقَمِيصِ مَمَالِكَ التَّقْدِيسِ وَ تَجَلَّى اسْمُ الْأَعْظَمِ عَلَى مَنْ فِي الْعَالَمِ وَ لَكِنَّ النَّاسَ فِي حِجَابٍ مَبِينٍ . أَنْ يَا قَلَمَ الْأَعْلَى غَنَّ عَلَى لِحْنِ الْكَبْرِيَاءِ لِأَنَّا نَجِدُ عَرَفَ الْوِصَالِ بِمَا تَقَرَّبَ يَوْمَ الَّذِي فِيهِ زُيِّنَ مَلَكُوتُ الْأَسْمَاءِ بِطِرَازِ اسْمِنَا الْعَلِيِّ الْأَعْلَى الَّذِي إِذَا ذُكِرَ لَدَى الْعَرْشِ غَنَّتِ الْحَوْرِيَّاتُ بِبَدَائِعِ النَّغْمَاتِ وَ هَدَرَتِ الْوَرَقَاءُ بِبَدَائِعِ الْإِلْحَانِ وَ نَطَقَ لِسَانُ الرَّحْمَنِ بِمَا انْجَذَبَ مِنْهُ أَرْوَاحُ الْمُرْسَلِينَ ثُمَّ أَرْوَاحُ الْمَخْلُصِينَ ثُمَّ أَرْوَاحُ الْمُقَرَّبِينَ . هَذِهِ لَيْلَةٌ طَلَعَ صُبْحُ الْقِدَمِ مِنْ أَفُقِ يَوْمِهَا وَ اسْتَضَاءَ الْعَالَمُ مِنْ أَنْوَارِهِ الَّتِي أَشْرَقَ مِنْ ذَلِكَ الْأَفُقِ الْمُنِيرِ . قُلْ إِنَّهُ لِيَوْمٍ فِيهِ أَخَذَ اللَّهُ عَهْدَ مَنْ يَنْطِقُ بِالْحَقِّ إِذْ بَعَثَ مَنْ بَشَّرَ الْعِبَادَ بِهَذَا النَّبَأِ الْعَظِيمِ وَ فِيهِ ظَهَرَتْ آيَةُ الْأَعْظَمِ نَاطِقًا بِهَذَا الْإِسْمِ الْعَظِيمِ ...

۴-منتخباتی از آثار مبارکه حضرت باب

"آنچه خداوند شهادت دهد معادل نمیشود با شهادت کلّ ما علی الارض و شبهه نیست که شهادت خداوند ظاهر نمیشود الاّ بشهادت کسی که حجّت قرار داده است او را و کافی است شهادت نفس آیات بعجز ما علی الارض از کلّ شیء زیرا که این حجّتی است باقیه من عند الله الی یوم القیمة و هر گاه کسی تصوّر در ظهور این شجره نماید بلا ریب تصدیق در علوّ امر الله مینماید زیرا که از نفسی که بیست و چهار سال از عمر او گذشته و از علمی که کلّ بآنها متعلّم میگشته متعری بوده و حال باین نوع که تلاوت آیات مینماید بدون فکر و تأمل و در عرض پنج ساعت هزار بیت در مناجات مینویسد بدون سکون قلم و تفاسیر و شئون علمیّه در علوّ مقامات معرفت و توحید ظاهر مینماید که کلّ علما و حکما در آن موارد اعتراف بعجز از ادراک آنها نموده شبهه نیست که کلّ ذلك من عند الله هست علمائی که از اوّل عمر تا آخر عمر اجتهاد نموده چگونه در وقت نوشتن بسطری عربی دقت نموده و آخر الامر کلماتی است که لایق ذکر نیست کلّ اینها از جهت حجّت خلق بوده والاّ امر الله اعزّ و اجلّ از این است که بتوان او را شناخت بغیر او بل غیر او شناخته میشود باو" (۱)

"خداوند شاهد است که مرا علمی نبود زیرا که در تجارت پرورش نمودم در سنه ستین قلب مرا مملوّ از آیات محکمه و علوم متقنه حضرت حجّة الله علیه السلام فرمود تا آنکه ظاهر کردم در آن سنه امر مستورا و رکن مخزون را بشانی که از برای احدی حجّتی باقی نماند" (۲)

۱-منتخبات آیات از آثار نقطه اولی ص ۷۷

۲- منتخبات آیات از آثار نقطه اولی ص ۱۴

۵-حضرت باب

اما حضرت اعلی روحی له الفدا در سنّ جوانی یعنی بیست و پنج سال از عمر مبارک گذشته بود که قیام بر امر فرمودند . و در میان طائفه شیعیان عموماً مسلم است که ابدأ حضرت در هیچ مدرسه ای تحصیل نفرمودند و نزد کسی اکتساب علوم نکردند و جمیع اهل شیراز گواهی میدهند . با وجود این بمنتهای فضل بغتّه در میان خلق ظاهر شدند و با آنکه تاجر بودند جمیع علمای ایرانرا عاجز فرمودند . بنفس فرید بر امری قیام فرمودند که تصوّر

نتوان زیرا ایرانیان بتعصب دینی مشهور آفاقند این ذات محترم بقوتی قیام نمود که زلزله بر ارکان شرایع و آداب و احوال و اخلاق و رسوم ایران انداخت و تمهید شریعت و دین و آئین نمود . با وجود اینکه ارکان دولت و عموم ملت و رؤساء دین کل بر محویت و اعدام او قیام نمود منفرداً قیام فرمود و ایرانرا بحرکت آورد . چه بسیار از علما و رؤسا و اهالی که در کمال مسرت و شادمانی جان در راهش دادند و بمیدان شهادت شتافتند . و حکومت و ملت و علمای دین و رؤسای عظیم خواستند که سراجش را خاموش نمایند نتوانستند عاقبت قمرش طالع شد و نجمش بازگشت و اساسش متین شد و مطلعش نور مبین گشت . جم غفیری را بتربیت الهیه پرورش داد و در افکار و اخلاق و اطوار و احوال ایرانیان تأثیر عجیب نمود و جمیع تابعین را بظهور شمس بهاء بشارت داد و آنرا مستعد ایمان و ایقان کرد . و ظهور چنین آثار عجیبه و مشروعات عظیمه و تأثیر در عقول و افکار عمومیّه و وضع اساس ترقی و تمهید مقدمات نجاح و فلاح از جوانی تاجر اعظم دلیلت که این شخص مربی کلی بوده شخص منصف ابداً توقّف در تصدیق نمی نماید

مفاوضات ص ۳۸

۶- قدر و رتبه حضرت باب

حضرت بهاء الله می فرمایند:

"در بحار الأنوار و عوالم و در ینبوع از صادق بن محمد وارد شده که فرمود العلم سبعة و عشرون حرفاً فجميع ما جاءت به الرّسل حرفان و لم يعرف النّاس حتّى اليوم غير الحرفين فاذا قام قائمنا اخرج الخمسة و العشرين حرفاً حال ملاحظه فرمائید که علم را بیست و هفت حرف معین فرموده و جمیع انبیا از آدم الی خاتم دو حرف آن را بیان فرموده اند و بر این دو حرف مبعوث شده اند و میفرماید قائم ظاهر میفرماید جمیع این بیست و پنج حرف را از این بیان قدر و رتبه آن حضرت را ملاحظه فرما که قدرش اعظم از کلّ انبیا و امرش اعلی و ارفع از عرفان و ادراک کلّ اولیاست و امری را که انبیا و اولیا و اصفیا بآن اطلاع نیافته و یا بامر مبرم الهی اظهار نداشته."

ایقان ص ۱۶۰

"امروز روز بسیار مبارکی است، متبرک و متمن است، طلوع انوار صبح هدی است، مبدأ و منشأ امر ابهی است، پرتو اشراق شمس حقیقت است، یوم نفخ فی الصّور و نقر فی النّاقور است. وقایع این یوم خیلی عظیم است و لکن حقیقتش در نزد اهل بصیرت معلوم و هر چند در نزد خلق شرف این یوم مجهولست ولی نفخه اولی است. در آیه مبارکه قرآن میفرماید: "و نفخ فی الصّور فصعق من فی السّموات و الأرض. "یومی است که جمیع من فی السّموات و الأرض منصعق شدند یعنی در نزد اهل بصیرت بحقیقت مدهوش گشته. و انسان منصعق بیهوش، یعنی محروم از حیات ابدی، بچیزی ملتفت نمیشود اما انسان بصیر بحقیقت امر آگاه میشود یعنی آن نفوسیکه فائز بحیات ابدی میشوند ملتفت میشوند که طلوع شمس حقیقت است و نفخه اولی است که از حقائق معنویّه روح حیات اخذ گشته و جهان دل و جان مستعدّ نفخه ثانویه گردیده است که میفرماید: "فنفس فیہ اخری فاذا هم قیام ینظرون و اشرفت الأرض بنور ربّها. " و از نفخه ثانیه حقایق روحانیّه و کینونات علویّه حیات یابد و از اشراق شمس حقیقت باهتزاز آید. این نفخه ثانیه ظهور جمالقدم من ینظره الله است

گنجینه حدود و احکام ص ۳۸۰

هُوَ اللهُ

ای پروردگار مهربان این نفوس ندای ملکوت شنیدند و انوار شمس حقیقت دیدند و در فضای جانفزای محبت پریدند عاشقان روی تواند و منجذبان خوی تو و آرزومند کوی تو و متوجّه به سوی تو و تشنه جوی تو و مشغول به گفتگوی تو توئی دهنده و بخشنده و مهربان. ع ع

مجموعه مناجاتهای چاپ آلمان ص ۲۶

۹- قیامت در آثار حضرت باب

مراد از یوم قیامت یوم ظهور شجره حقیقت است و مشاهده نمیشود که احدی از شیعه یوم قیامت را فهمیده باشد بلکه همه موهوماً امری را توهم نموده که عند الله حقیقت ندارد و آنچه عند الله و عند عرف اهل حقیقت مقصود از یوم قیامت است اینست که از وقت ظهور شجره حقیقت در هر زمان بهر اسم الی حین غروب آن یوم قیامت است

مثلاً از یوم بعثت عیسی (ع) تا یوم عروج آن قیامت موسی بود که ظهور الله در آن زمان ظاهر بود بظهور آن حقیقت که جزا داد هر کس مؤمن بموسی بود بقول خود و هر کس مؤمن نبود جزا داد بقول خود زیرا که ما شاهد الله در آن زمان ما شاهد الله فی الانجیل بود و بعد از یوم بعثت رسول الله (ص) تا یوم عروج آن قیامت عیسی (ع) بود که شجره حقیقت ظاهر شده در هیکل محمدیه و جزا داد هر کس که مؤمن بعیسی بود و عذاب فرمود بقول خود هر کس مؤمن بآن نبود و از حین ظهور شجره بیان الی ما یغرب قیامت رسول الله (ص) هست که در قرآن خداوند وعده فرمود که اول آن بعد از دو ساعت و یازده دقیقه از شب پنجم جمادی الاولی سنه هزار و دوویست و شصت که سنه هزار و دوویست و هفتاد بعثت میشود اول یوم قیامت قرآن بود

منتخبات آیات از آثار نقطه اولی ص ۷۵

۱۰- شرح اظهار امر

در یک شامگاه بهاری در سال ۱۲۲۳ ه. ش. (۱۸۴۴ میلادی)، گفتگویی میان دو مرد جوان شکل گرفت که به آغاز عصر جدیدی در حیات بشر بشارت می داد. در شهر شیراز تاجری ایرانی به مسافری اعلام کرد حامل پیامی الهی است که مقدر است حیات روحانی نوع انسان را متحول سازد. این تاجر جوان سید علی محمد نام داشت و در تاریخ با لقب «باب» شناخته می شود.

میانه قرن نوزدهم یکی از پراشوبترین دوره های تاریخ عالم بود. انقلابات عظیمی در حال وقوع بود. در بخش هایی از اروپا و آمریکای شمالی، روابط و ساختارهای فرسوده اجتماعی به واسطه تغییرات ناگهانی و بی سابقه در زمینه های کشاورزی، صنعت و اقتصاد به چالش کشیده می شد. هم زمان، در سراسر عالم، پیروان

ادیان مختلف دریافته بودند که بشر در آستانه مرحله جدیدی از تکامل خود قرار دارد. بسیاری از آن‌ها خود را برای ظهور قریب الوقوع موعود آماده می‌کردند و در نهایت شور و شوق دعا می‌نمودند که او را بشناسند.

محقق و عالم جوانی به نام ملاحسین از جمله افرادی بود که قدم در مسیر جستجویی تحول‌بخش گذاشته بود. نیرویی قوی او را به سمت شهر پرشور و رازشیراز می‌کشاند. در غروب اول خرداد ۱۲۲۳ ه.ش. (۲۲ مه ۱۸۴۴ میلادی)، هنگامی که ملاحسین به دروازه شیراز رسید، جوانی نورانی با عمامه‌ای سبز به استقبال او آمد. این غریبه چنان با ملاحسین برخورد نمود که گویی یک آشنای قدیمی است.

ملاحسین خاطره آن شب را چنین نقل می‌کند: «جوانی که در خارج شهر شیراز به خدمتش رسیدم، با نهایت محبت نسبت به من رفتار کرد و مرا به منزلش دعوت فرمود تا رنج سفر از من دور شود و از خستگی دمی بیاسایم»

آن دو تمام طول شب را غرق در گفتگو بودند. ملاحسین از اینکه تمام نشانه‌هایی را که در موعود جستجو می‌کرد در این مرد جوان نمایان می‌دید، به شگفت آمده بود. سحرگاه روز بعد، پیش از اینکه منزل را ترک کند، میزبانش وی را با این کلمات مورد خطاب قرار داد: «شما اول کسی هستید که به من مؤمن شده‌اید. من باب‌الله هستم... باید ۱۸ نفر به من مؤمن بشوند؛ به این معنی که ایمان آن‌ها نتیجه تفحص و جستجوی خود آنها باشد، بدون اینکه کسی آن‌ها را از اسم و رسم من آگاه کند مرا بشناسند و به من مؤمن شوند»

طی چندین هفته پس از اظهار امر حضرت باب، هفده فرد دیگر به طور مستقل و در نتیجه تلاش‌های خودشان به مقام ایشان پی‌بردند، راحت و امنیت زندگی سابق خود را کنار گذاشتند و به دور از هر وابستگی به انتشار تعالیم آن حضرت قیام کردند. این گروه هجده نفره از پیروان اولیه حضرت باب، با عنوان «حروف حی» شناخته می‌شوند.

یکی از این افراد، شاعری به نام طاهره، با برآوردن ندای برابری کامل میان زنان و مردان، نقشی حیاتی در ترک آداب گذشته ایفا نمود. آخرین فرد این گروه، جوانی ملقب به قدوس (بسیار مقدس)، به دلیل شجاعت و ایمانی که از خود نشان داد از درجه تقدیس و احترام خاصی برخوردار است.

۱۱- شعر از جناب وثوق الله ملقب به "بلبل معانی"

بود اندر حضور حضرت باب	یاد آور شبی که باب الباب
گشت صادر زحق هزار جواب	کرد او یک سؤال از آن حضرت
برد رونق ز صوت چنگ و رباب	یاد آور شبی که نغمه حق
تا سحر دیده اش نرفت به خواب	یاد آور شبی که بشروئی
شد به او نشئه بخش همچو شراب	یاد آور شبی که آیاتش
گرد هم جمع می شوند احباب	گفت حق در چنین شبی زین پس
جذبه و شعله و ایاب و ذهاب	شد از آن لیلۀ بقاء آغاز
بنهادند سر به کف اصحاب	بعد از آن شد حروف حی تشکیل
هیچ یک را نماند طاقت و تاب	عاشقان سوی یار چون دیدند
برتر از آفتاب عالم تاب	امر محبوب گشت عالمگیر
بهر آبادی جهان خراب	ای بسا خانه ها که شد ویران
فیض فیاض را بیا و بیاب	بزم آماده، یار اندر بر
بکنی ترک آب بحر سراب	چند باید به چشم ظاهرین
برهان خویش را از این گرداب	جاگزین در سفینه حمراء
تا شوی بهره ورز فیض سحاب	چون زمین باش نرم و آماده
عنبر آگین بوی عطر و گلاب	شب عید است و گشته بزم طرب
که چنین امر شد زحق به کتاب	بهترین جامه زیب قامت کن
وز جهان و جهانیان بر تاب	"بلبلا" روی سوی جانان دار

۱۲- مقام حضرت باب

مابه الامتیاز ظهور حضرت بهاء الله تنها در عظمت دعوی بلند پایه اش نیست بلکه از جمله ممیزاتش، که امر بهائی را بی همتا ساخته، عظمت مقام مبشر اوست. زیرا حضرت باب را پیروان حضرت بهاء الله فقط منادی ملهم ظهور بهائی نمی شناسند بلکه حضرتش را مظهر ظهور الهی دانند و اعتقادشان بر اینست که هر چند دوره اجرای احکام شریعت حضرت باب کوتاه بود، حضرتش به قوائی از جانب پروردگار مخصّص بود که در مؤسّسین سایر ادیان دیده نشده است و نه تنها طلایه ظهور حضرت بهاء الله محسوب بود بلکه خود صاحب وحی الهی و دارای رتبه انبیای اولوالعزم بود و این دعوی را در آثار حضرت باب بسیار توان دید که به تأیید اکید حضرت بهاء الله نیز رسیده و در الواح و صایای حضرت عبدالبهاء نیز بدان تصریح گردیده است.

نظم جهانی ص ۶۸

۱۳- تجدد در آئین حضرت باب

یکی از اصول مهم دور بیان،...تصریح حضرت باب به این مطلب بلند علی اعلی است که در هر ظهور خداوند دوست می دارد که کل شی جدید شود.

نزول این بیان مستطاب متعالی در ام الكتاب شریعت بابی به وجود آوردن آمادگی ذهنی و عملی در قبول تجدد خواهی و باز شدن افکار و اذهان برای پذیرش نوآوری و تغییر و تجدد است. تصریح به این مطلب در کتاب شرعی بابیه در نیمه قرن نوزدهم و در تاریکترین ایام دوره قاجاریه به واقع انقلابی و بدع است؛ چه اصولاً بسیاری از متفکران مسلمان و تجدید طلب، تجدد خواهی به معنی تجدید نظر و نوآوری در معتقدات مذهبی اسلامی را نه تنها صحیح نمی دانند؛ بلکه صاحبان چنین آرا و نظریاتی را ملحد و کافر و بدعت گزار دانسته، واجب التکفیر و حتی مهدور الدم می دانستند. اعلان حضرت باب که «خداوند دوست می دارد که کل شی جدید شود» باز کردن باب تجدد طلبی و به منزله به وجود آوردن زمینه و استعداد مناسب جهت رشد نظریات و آراء جدید بود که هم شوق رهایی از سنن تقلیدی را در دلها زنده می نمود، هم طریق تجدد طلبی را ارایه می کرد و هم با جامعیت و وسعت و احاطه ای محیرالعقول «کل» را به «تجدد در کل» دعوت می نمود.

خوشه‌هایی از خرمن ادب و هنر شماره ۱۵ ص ۲۲